

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۷۵

جمعه ۲۸ شهریور ۱۳۹۳، ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۴

درسهای بازگوشده ی انتخابات پارلمانی سوئد

بهروز مهرآبادی

صفحه ۵

کلیه مردم ایران باید در مقابل محکومیت کارگران به شلاق و زندان و اخراج بایستند

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴

لیست نمایندگان کنگره نهم حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

اطلاعیه خبری

برگزاری نشست مشترک رهبری
حزب کمونیست ایران،
حزب کمونیست کارگری ایران،
حزب کمونیست کارگری ایران -
حکمتیست

صفحه ۴

کارخانه پروفیل ساوه به یک سنگر مهم مبارزات کارگر تبدیل شده است

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲



احکام ضد انسانی برای کارگران پتروشیمی رازی بی پاسخ نخواهد ماند

بهروز مهرآبادی

صفحه ۲

پیام کنگره حزب مشروطه: "هیچ چیز خطرناک تر از قیام فقرا و تهیدستان نیست"؟!

علی جوادی

صفحه ۳

فریده عزیزمان بیمار است

کاظم نیکخواه

صفحه ۸



احکام ضد انسانی برای کارگران پتروشیمی رازی بی پاسخ نخواهد ماند

بهرز مهرآبادی

این قوانین را عملاً به زیاده دان می‌اندازند و از حقوق خود دفاع نمی‌کنند. چون راه دیگری در مقابل جمهوری اسلامی و کارفرمایان جز مبارزه متحدانه وجود ندارد.

مساله اینست که جمهوری اسلامی می‌خواهد بحران اقتصادی و سیاسی خود را با تصویب قوانین سرکوبگرانه دیگری به دوش کارگران بیندازد.

این لایحه به همراه سایر قوانین ضد کارگری رژیم باید پاره شده و به همراه کل نظام سرمایه داری اسلامی به زیاده دان انداخته شوند. کارگران اجازه نمی‌دهند، که رژیم احکام ضد انسانی زندان و شلاق را در مورد کارگران پتروشیمی رازی به اجرا درآورند. صف متحد کارگران در ایران و همبستگی کارگران در سایر نقاط جهان در مقابل این توحش ایستاده است. اقدام به اجرا درآوردن چنین عمل وحشیانه ای عواقب سنگینی برای حکومت اسلامی خواهد داشت. کارگران اینرا اثبات خواهند کرد.*

اصلی گذاشت چنین تبصره ای در "قانون کار" فقط علیه کارگران و ممانعت آنها از هر گونه حرکت اعتراضی است که می‌تواند بعنوان "مزاحمت" برای منافع سرمایه داران محسوب شده و یا تجمع و تحصن آنها در محل کارشان می‌تواند بعنوان "تصرف" اعلام شده و نیروهای سرکوبگر رژیم را علیه آنها گسیل کند.

اما اگر کارگران به قوانین و ضوابط جمهوری اسلامی تمکین کرده بودند باید شاهد یک اعتصاب و اعتراض هم نبودیم. در ایران اعتصاب و تشکل و حق خواهی رسماً ممنوع است. حقوق کارگر را ماهها نمی‌پردازند اما اعتراض کارگر پروفیل سازه و نیشکر هفت تپه و امثال آنها با تعرض و اخراج و زندان پاسخ می‌گیرد. با وجود همه اینها در ایران ما بدون اغراق هرروز شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگری برای گرفتن حقوق خود هستیم. در این زمینه نیز قطعاً کارگران پتروشیمی رازی و همه کارگران

اصلاحاتی که این لایحه ضد کارگری به قانون ارتجاعی کار پیشنهاد کرده بند "ح" است که دست کارفرمایان را باز تر میکند تا به بهانه کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط مختلف کارگران را اخراج و بیکار سازند.

در تبصره پیشنهادی دیگری به قانون کار آمده است: "هرگونه تصرف و مزاحمت اشخاص حقیقی و حقوقی در محدوده دارای مجوز عملیات معدنی قانونی بدون داشتن حکم از مراجع قضائی جرم محسوب شده و قابل پیگرد قانونی است. در این موارد نیروی انتظامی موظف است حسب درخواست وزارت صنایع و معادن یا دارندگان مجوز بلافاصله نسبت به رفع تصرف و مزاحمت اقدام و متهم و یا متهمان را به مراجع قضائی معرفی نماید".

در دستگاه قضائی جمهوری اسلامی قوانین سختی و مفصلی در حراست از مالکیت خصوصی و حریمهای آن وجود دارد. هدف

به خواست های کارگران تن در نداده است.

حکم زندان و شلاق برای کارگران پتروشیمی رازی ادامه سیاست ارباب و سرکوب جمهوری اسلامی و حمایت صریح آن از کارفرما در ادامه شرایط غیر انسانی بویژه برای کارگران پیمانی است.

این اولین بار نیست که رژیم برای سرکوب کارگران به قوه قضائیه خود متوسل می‌شود. حکم شلاق برای کارگران در سندهج در سال ۸۶، احکام زندان برای کارگران بجرم برگزاری مراسم های اول مه، بازداشت کارگران معادن بافق و چادرمیلو نمونه های دیگری از این سیاست است. اما جمهوری اسلامی به این قانع نیست. هدف لایحه "حمایت از تولید" که توسط دولت روحانی ارائه شده قانونی کردن و گسترش ابعاد این سرکوب است. بخش اعظم این لایحه در مورد دادن امتیازات بانکی و تسهیلات مختلف به سرمایه داران است. یکی از

جمهوری اسلامی تمام قوای خود و از جمله قوه قضائیه اش را در مقابل کارگران بسیج کرده است. یک دادگاه جمهوری اسلامی حکم محکومیت ۴ نفر از نمایندگان کارگران پتروشیمی رازی را به شش ماه حبس و پنجاه ضربه شلاق صادر کرد. شاکتی شرکت ترکیه ای گویره تاش به مدیریت عثمان بالتار و اتهام این کارگران "اخلال در نظم" و "توهین و تهدید"، اعلام شد. این کارگران متهم شدند که "با طرح درخواست های غیر موجه و خارج از موضوع کاری، باعث تجمع کارگران پیمانکاری و تعطیلی کارگاه شده اند و همچنین زمینه ساز اخلال در تولید مجتمع و ضرر و زیان مادی و معنی بوده است".

اعتراض کارگران پتروشیمی رازی در سال ۹۲ به تبعیض بین کارگران رسمی و پیمانی و با خواست برابری حقوق و برخورداری از مزایایی برابر نظیر سختی کار، سرویس منظم، نهار و بیمه انجام شد و کارفرما هنوز

کارخانه پروفیل سازه به یک سنگر مهم مبارزات کارگر تبدیل شده است

تجمع و راهپیمائی زده و با اعتراض سرسختانه خود هر بار گوشه ای از خواست های خود را متحقق کرده اند. طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ۱۲۰۰ کارگر نورد لوله صفا در سازه نیز که متعلق به رستمی است همچنان در اعتصاب بسر میبرند و خواهان پرداخت حقوق معوقه خود میباشند.

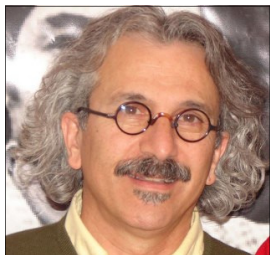
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ شهریور ۱۳۹۳، ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۴

طی این اعتصاب دادستانی و اداره کار در همراهی با رستمی کارفرمای کارخانه تلاش کردند اعتصاب کارگران را بشکنند و طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران دو نفر از کارگران روز چهارشنبه ساعتی در بازداشت نیروهای سرکوب حکومت بودند. کارگران اما با عزم راسخ خود به اعتصاب خود ادامه دادند تا سرانجام کارفرما و ارگانهای حکومت را تسلیم خواست های خود کردند.

در چند سال گذشته کارخانه پروفیل سازه به یک سنگر مستحکم مبارزه کارگران تبدیل شده و کارگران این کارخانه بارها دست به اعتصاب و

کارگران پروفیل سازه سرانجام پس از چهار روز اعتصاب، تلاش های کارفرما و ارگان های حکومت را ناکام گذاشتند و با تحقق بخشی از خواست های خود به اعتصاب پایان دادند. روز چهارشنبه ۲۶ شهریور یک ماه دستمزد معوقه به کارگران پرداخت شد و رستمی کارفرمای کارخانه اعلام کرد که چهار نفر از کارگرانی را که اخراج کرده بود به سر کار برمیگردند. هنوز تکلیف بازگشت به کار دو نفر دیگر از کارگران اخراجی روشن نیست و کارگران اعلام کرده اند که به مبارزه خود برای بازگشت بکار این دو همکار خود ادامه خواهند داد.



پیام کنگره حزب مشروطه:

"هیچ چیز خطرناک تر از قیام فقرا و تهیدستان نیست"!

علی جوادی

جناحهای حاکم از "قیام فقرا و تهیدستان" در هراسند، تصویر ناقصی از ویژگیهای جناحهای بورژوازی چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون است. هراس از قیام فقرا و تهیدستان يك نقطه اشتراك این جریان است. قیام "یقه آبی ها"، قیام "گرسنگان"، قیام برای "نان" نام های متفاوتی است که تاکنون بر این خیزش احتمالی توده مردم کارکن و زحمتکش نهاده شده است. از قرار و بنا به اذعان خودشان درد مشترکشان است، هراس مشترکشان از قیام کارگران و زحمتکشان است. این هراس واقعی است. این جریانات ظرفیتهای جامعه را میشناسند. خطرات ناشی از قیام کارگران و زحمتکشان را میشناسند. از تاریخ آموخته اند میدانند چنانچه قیام کارگران تحت پرچم کمونیستی بنیادهای نظام اقتصادی و سیاسی حاکم را در هم خواهد پیچید. نتیجتاً از هم اکنون میخواهند برای مقابله با این "خطر" آماده شوند. منتقد سیاستهای رژیمند، در عین حال از این رو که باعث به قیام کشاندن فقرا و تهیدستان میشود!

قیام فقرا و تهیدستان و اتهام همیشه آماده "شورش کور"؟

"شورش کور" يك اتهام همیشه آماده بورژوازی در مقابله با قیام کارگران و مردم زحمتکش است و این يك ویژگی مهم تقابل بورژوازی با خیزش توده های کارگر است. تلاش میکنند که قیام کارگران را مترادف "تخریب"، "ویرانی"، "هرج و مرج" و "خشونت" معنی کنند. میگویند قیام فقرا و تهیدستان "کور" است. "تر و خشک را باهم

صفحه ۵

علاوه بر اهداف روشن اقتصادی، علاوه بر چپاول اموال جامعه، اهداف سیاسی کاملاً داده شده ای را در اعمال فقر و فلاکت بر جامعه دنبال میکند. يك هدف روشن رژیم به زانو در آوردن جامعه و تلاش مذبوحانه برای خالی کردن پتانسیل و توان مبارزاتی جامعه به لحاظ اقتصادی است. چرا که يك مشغله همیشگی رژیم اسلامی مقابله با جامعه و مردمی است که حکم به سرنگونی رژیم داده اند و هر تحرك اجتماعی به سرعت رنگ و بوی سرنگونی طلبانه بخود میگیرد.

رژیم اسلامی میدانم مردمی که زندگی اقتصادی شان به گروگان گرفته است، اسیر نان شب خود هستند، توان اعتراضی کمتری برای مقابله با رژیم و صرف انرژی جهت سرنگونی آن دارند. به این اعتبار علیرغم درآمد عظیم حاصل از فروش نفت ما شاهد آن بودیم که رژیم حقوق و دستمزد بخور و نمیر کارگران ماههای متمادی پرداخت نمیشود. بی دلیل نیست که حداقل حقوق و دستمزد کارگران چند صد در صد زیر خط فقر اسلامی است. در واقع ارزیابی از طرحها و پلانفرمهای اقتصادی رژیم بدون ارزیابی از سیاست همیشگی رژیم برای بقا و مقابله با مردم سرنگونی طلب ممکن نیست. واقعیت این است که رژیم اسلامی يك رژیم متعارف اقتصادی و سیاسی سرمایه داری نیست. و تحمیل فقر به جامعه يك ركن استراتژی رژیم اسلامی برای بقا است. کنگره حزب مشروطه بخشهایی از این واقعیت را دیده است اما نگران پی آمدها و "مخاطرات" ناشی از آن است. و این تصور که تنها رژیم و

تهیدستان" به تفصیل مورد بحث و جدل قرار گرفت. اما دوست دارم در نشریه انترناسیونال نیز به جنبه های دیگری از این بحث اشاره کنم.

از پیام کنگره اخیر حزب مشروطه نباید تعجب کرد. برعکس باید آن را نشان "بلوغ" سیاسی این حزب بورژوازی و کلا بورژوازی ایران دید. دارند به استقبال حوادث میروند. بوش کشیده اند، گوششان را به زمین چسبانده اند، صدای قطار تحولات سیاسی را از راه دور شنیده اند. دارند آماده میشوند. میدانند که با قیام نمیشود "بازی" کرد. بخصوص قیامی که "فقرا و تهیدستان" در راس آن قرار داشته باشند و نیروی اصلی محرکه این تحول اجتماعی باشند. بخصوص قیامی که کمونیسم کارگری با تمام قوا به استقبال آن میروند و برای سازماندهی و رهبری اش تلاش خواهد کرد. تعجب نباید کرد، پیشتر نیز داریوش همایون در يك مصاحبه تلویزیونی در کانال جدید گفته بود که کارگران و مردم نباید انتظار داشته باشند که بعد از سرنگونی رژیم کمتر کار کنند و بیشتر مصرف کنند. بلکه برعکس، باید بیشتر کار کرد و کمتر مصرف کرد! به همین زمختی، به همین روشنی علیه کارگر و توده مردم زحمتکش!

رژیم اسلامی و مساله فقر

فقر و فلاکت اقتصادی يك مشخصه اصلی زندگی مردم تحت حاکمیت رژیم اسلامی است. رژیم اسلامی اکثریت عظیم توده های مردم را علیرغم ثروت عظیم اجتماعی به زندگی در فقر و فلاکت همه جانبه محکوم کرده است. اما رژیم

این کنفرانس اقتصادی شرکت کردند و هر کدامشان گوشه ای از مشکلات اقتصاد ایران را و راهکارهای عبور از این مشکلات را برای حضار شکافتند. ما معتقدیم که یکی از معضلات عمده مردم ایران در شرایط موجود مساله اقتصاد است. درست است که جمهوری اسلامی با روشی که دارد، با برنامه اقتصادی که در ایران اجرا میکند، با فقیر کردن مردم، تلاش میکند که طبقه کارگر را از سر کار اخراج کند، طبقه تهیدست را تهیدست کردن، اینها را مدام درگیر امرار معاششان بکند و توده های مردم صبح که از خواب بلند میشوند، به جای اینکه به رژیم فکر کنند، به سالم یا ناسالم بودن این حکومت فکر کنند، به درست یا غلط بودن آنچه که باهاشان انجام میشود فکر کنند، مدام باید در فکر این باشند که نان شان را در بیاورند و بتوانند سفره بچه هاشون نانی بگذارند. ولی رژیم يك چیزی را فراموش میکند، این مقدار فشار و این مقدار فقر، همین فقر باعث قیام خواهد شد. یعنی رژیم باید از آن روزی بترسد که آن بخشی را در جامعه تهیدست کرده و فقیر کرده و مدام برای امرار معاشش بهش فشار می آورد، و این ایرانی مظلوم زجر میکشد، این بخش مطمئناً يك روزی قیام خواهد کرد. و هیچ چیز خطرناک تر از قیام فقرا و تهیدستان نیست. برای اینکه بتواند تر و خشک را در آن شرایط متأسفانه باهم بسوزاند. و آن قیام، قیام کور است در شرایط موجود. من امیدوار هستم با تمام مشکلاتی که در ایران هست چنین اتفاقی در ایران نیفتد.

در برنامه تلویزیونی "خط آتش" مساله "قیام فقرا و

کنگره احزاب معمولاً بالاترین مرجع تصمیم گیری و سیاستگذاری است. میگویم معمولاً چرا که در بسیاری از احزاب بورژوازی بسیاری از سیاستهای کلان توسط محافل ذینفوذ و نه رای نمایندگان تعیین کننده است. مگر نه اینکه در جوامع دموکراسی غربی سیاستهای اساسی و پایه ای نه توسط توده های مردم، و نه حتی توسط نمایندگانی که بجای آحاد مردم در پارلمان و مجلس قرار میگیرند، بلکه توسط محافل غیر انتخابی و غیر پاسخگو صورت میگیرد. آمریکا نمونه بارز چنین "تقسیم کاری" در سیاست است. اما مستقل از مکانیسم تعیین سیاست، کنگره احزاب مکان و زمانی برای پرداختن به دورنماها و چشم اندازهای سیاسی احزاب است. حزب مشروطه هم از این قاعده مستثنی نیست. کنگره گرفته اند، کنفرانس برگزار کرده اند، سیاست تعیین کرده اند. و معمولاً کنگره ها پیامی دارند، مهر شرایط و زمان را بر خود دارند. نگرانی های و امیدهای حزب را در مقطع خاصی بیان میکنند.

و این گوشه ای از سخنان دبیر کل حزب مشروطه ایران، فوآد پاشایی، در برنامه تلویزیونی "خط آتش" در پاسخ به چنین سئوالی است: "نکات محوری که حزب مشروطه در این کنگره به آن پرداخت کدام ها بودند؟" و پاسخ این است:

"ما شب قبل از کنگره يك کنفرانس اقتصادی برگزار کردیم که آقای حسن شریعتمداری از طیف جمهوریخواه، آقای دکتر حسن منصور از طیف جمهوریخواه، و آقای شاهین فاطمی که راین حزب هستند در

اطلاعیه خبری

برگزاری نشست مشترک رهبری حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

همکاری در کردستان از جانب رهبری تشکیلات های کردستان سه حزب، بر ارتباط منظم و روتین رهبری سه حزب برای همکاری تأکید کرد. حضور در مدیای همدیگر یکی دیگر از توافقات این جلسه بود. نشست هیئت های نمایندگی سه حزب در فضای شفاف سیاسی و دوستانه برگزار شد.

حزب کمونیست ایران
حزب کمونیست کارگری ایران
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۱۱ سپتامبر ۲۰۱۴ - ۲۰ شهریور ۱۳۹۳

هیئت های نمایندگی سه حزب پس از تبادل نظر در مورد نکات فوق علیرغم تفاوت ها و تأکیدات مختلف در پاره ای از مسائل، در چند محور عمده هم نظری داشتند و به ویژه بر ضرورت ایجاد آمادگی و هوشیاری در جامعه ایران، پافشاری بر سرنگونی جمهوری اسلامی متکی به اراده انقلابی و سازمانیافته کارگران و مردم و گسترش مبارزه با جمهوری اسلامی و مقابله با جریانان ارتجاعی تأکید کردند.

همچنین، نشست تصمیم گرفت فشرده مباحث سیاسی مورد توافق در اعلامیه سیاسی دیگری منتشر شود. بعلاوه، نشست هیئت های رهبری سه حزب ضمن تأکید بر ضرورت ادامه همکاری در خارج کشور و بررسی زمینه های

روز یکشنبه ۷ سپتامبر ۲۰۱۴ برابر با ۱۶ شهریور ۱۳۹۳ در استکهلم، نشست مشترک هیئت های رهبری حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری و حزب حکمتیست برگزار شد. در این نشست رفقا: صلاح مازوجی، هلمت احمدیان و شمس خرمی از حزب کمونیست ایران، حمید تقوا، خلیل کیوان و بهرام سروش از حزب کمونیست کارگری، رحمان حسین زاده، فاتح شیخ و سیاوش دانشور از حزب حکمتیست شرکت داشتند.

بررسی اوضاع سیاسی ایران و منطقه، تأثیر تحولات عراق در ایران، چهارچوب مناسبات سیاسی و همکاری نزدیک تر سه حزب، محورهای بحث این نشست بود.

کلیه مردم ایران باید در مقابل محکومیت کارگران به شلاق و زندان و اخراج بایستند

کارفرماها برخیزند و نگذارند که کارگر معترض شلاق بخورد و زندانی یا اخراج شود. در مقابل حکم شلاق به کارگران باید کل جامعه به اعتراض بلند شود و نگذارد که حکومت جنایتکار اسلامی چنین احکامی صادر کند و حرمت کارگر را اینچنین لگدمال کند. بعد از کارگران بافق اکنون نوبت کارگران و مردم ماهشهر و بویژه خانواده های کارگران است که به میدان بیایند و کل جامعه را به حرکت درآورند. کارگران مراکز کارگری در سراسر کشور، دانشجویان و همه نهادها و تشکل های مختلف آزادیخواه را به حمایت از کارگران و اعتصاباتشان و به اعتراض قاطعانه علیه این احکام ضد انسانی فرامیخوانیم.

سرنگون باد حکومت جنایتکار اسلامی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ شهریور ۱۳۹۳، ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۴

کار آمدن روحانی و کابینه امنیتی اش بار دیگر بگیر و ببند فعالین کارگری و کارگران معترض شدت یافته است. تجربه کارگران معدن بافق و خانواده هایشان نشان داد که میتوان نیروی وسیعی را علیه حمله به حرمت و حق و حقوق کارگران به میدان آورد. علاوه بر این در روزهای اخیر چهار نفر از کارگران معترض پروفیل ساوه در اراک، دو نفر از کارگران پروژۀ نمک زدائی شرکت پتروپارت و یکی از کارگران کارخانه شیشه و گاز (شوکا) توسط کارفرما و همراهی ارگان های جمهوری اسلامی اخراج شده اند. همه این احکام باید با عکس العمل وسیع و گسترده مواجه شود.

کارگران سنگ معدن بافق و خانواده هایشان عکس العمل شایسته و قدرتمندی علیه دستگیری و احضار عزیزانشان از خود نشان دادند و نیروی وسیعی را علیه این سیاست سرکوبگرانه به میدان آوردند. هزاران کارگر پتروشیمی های ماهشهر و ۴۰۰۰ کارگر پروفیل ساوه و نورد صفا و کارگران شرکت پتروپارت و شوکا و اعضای خانواده هایشان نیز میتوانند دوش به دوش هم، به مقابله با حکومت و

جمهوری اسلامی دستگیری، محکومیت و اخراج فعالین کارگری در شهرها و مراکز مختلف کارگری را گسترش داده است. بدنبال دستگیری ۹ نفر از کارگران معدن بافق و احضار ۹ نفر دیگر از آنان توسط ارگان های سرکوب جمهوری اسلامی، چهار نفر از نمایندگان کارگران پتروشیمی رازی در ماهشهر توسط شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی این شهر به شش ماه زندان و پنجاه ضربه شلاق محکوم شده اند. نه تنها کارگران پتروشیمی رازی و پتروشیمی های ماهشهر، بلکه کل طبقه کارگر و مردم آزاده باید نسبت به این سیاست جنایتکارانه و سرکوبگرانه دست به اعتراض بزنند.

جمهوری اسلامی به اخراج و دستگیری کارگران معترض نیاز دارد تا بتواند فقر و محرومیت را به کارگران و مردم تحمیل کند. به این وحشیگری نیاز دارد تا بتواند جلو اعتصابات بزرگ و متعدد را که در مراکز مختلف کارگری در سراسر کشور جریان دارد، سد کند. سرکوب اعتراضات کارگران و دستگیری و اخراج فعالین کارگری سیاست ۳۵ ساله حکومت اسلامی بوده است اما در یکسال اخیر و با روی

درسهای بازگوشده ی انتخابات پارلمانی سوئد

بهرروز مهرآبادی

مردم قرار دارد. مردم سوئد نمی توانند در چهار چوب مناسبات سرمایه داری انتظار بهبود و یا تغییر مثبتی در وضعیت زندگی خودشان را داشته باشند. جامعه سوئد به حزبی نیاز دارد که خواسته ای عمیق اقتصادی و سیاسی مردم را نمایندگی کند و در مقابل احزاب بورژوازی حاکم اعم از راست ها و یا سوسیال دمکرات ها بایستد.*

کارکنان بخش خدمات اجتماعی توقف کمکهای دولتی به نهادهای مذهبی، برقراری مالیات بر ثروت، نمونه هایی از خواستهایی است که هر روزه می توان از زبان مردم سوئد شنید. سیاستهای بانک جهانی، اتحادیه اروپا و سرمایه داری سوئد تحمیل ریاضت کشی های بیشتر به مردم، گسترش خصوصی سازی ها و بالا بردن میزان بیکاری برای پائین نگاه داشتن سطح دستمزد ها است که آشکارا در نقطه مقابل مطالبات

ادامه وضعیت امروز ندارد. جنبش کارگری سوئد نیروئی است که می تواند در مقابل احزاب بورژوازی و فاشیست بایستد اما رهبری این جنبش در دست اتحادیه های رفرومیست و سازشکاری است که بیشتر در همکاری با حزب سوسیال دمکرات بدنبال بند و بست و سهم خواهی هستند و حزب چپ هم با سابقه همراهی خود با سوسیال دمکرات ها نفوذی در جنبش کارگری ندارد. انجام واکنشهای رادیکال و قدرتمند از طرف کارگران و کارکنان دولت و

انتخابات نوشتند که هر دو در مورد بیشتر مسائل همنظر بودند. آنچه موجب تفاهم این دو حزب و سایر احزاب پارلمانی میشود، پذیرش سیاستهای بانک جهانی و اتحادیه اروپا در زمینه های مختلف اقتصادی است و بورژوازی سوئد بیشترین سرسپردگی به این سیاستها را دارد. تعیین خطوط اصلی اقتصاد سوئد به بانک مرکزی سپرده شده که مستقل از دولت عمل می کند. و هیچکدام از احزاب پارلمانی خواستار تغییر این وضعیت نشده اند.

بدون تردید سایه حضور یک حزب فاشیستی بر دوره آینده پارلمان سوئد سنگینی خواهد کرد و محتملی خواهد بود که احزاب تشکیل دهنده دولت برای پیشبرد سیاست های خود، سایر احزاب و بیش از همه مردم را از فاشیست ها بترسانند. چنانکه اعلام عدم پذیرش حزب چپ در دولت آینده و چراغ سبز نشان دادن به سایر احزاب از طرف رهبر حزب سوسیال دمکرات، از روی ناچاری و بخاطر رای بالای حزب فاشیستی توجیه میشود.

رای بالای فاشیستها در انتخابات از طرفی نشاندهنده نارضایتی عمیق مردم از وضعیت موجود و از سوی دیگر نشان دهنده آن است که هیچ حزب و نیروی سیاسی پیشرو و مترقی در صحنه نیست که مطالبات آنها را نمایندگی کند و در مقابل هجوم بورژوازی به حقوق اجتماعی مردم، بویژه در سالهای اخیر حرفی برای گفتن داشته باشد. این واقعیت بار دیگر در انتخابات سوئد نشان داده شد.

آنچه که در تغییر ریل سیاستهای حاکم بر سوئد می تواند تاثیر بگذارد سر بلند کردن نیرویی است که هیچ منفعتی در

انتخابات پارلمانی سوئد با پیروزی شکننده بلوک موسوم به سبز و قرمز متشکل از حزب سوسیال دمکرات، محیط زیست و حزب چپ به پایان رسید که توانست آرای توانست آرای بیشتری نسبت به رقیب خود یعنی بلوک تشکیل دهنده دولت فعلی، کسب کند. اما در این انتخابات از حزب فاشیستی دموکرات های سوئد بعنوان برنده اصلی نام برده میشود که توانست آرای خود را نسبت به دوره قبل دو برابر کرده و به نزدیک ۱۳ درصد برساند. گرچه بی آبرویی این حزب تا بحال مانع از این بوده است که به هیچ انتلافی وارد شود ولی نقش آن در بازی های پارلمانی آینده انکار ناپذیر است. این حزب اعلام کرده است که به لایحه بودجه حزب محافظه کار و موثلفانش رای خواهد داد و در مورد بسیاری سیاست های دیگر هم بدون شک از آنها حمایت خواهد کرد. بوجود آمدن بن بست در تشکیل دولت آینده و توانائی آن برای اداره امور یکی از مباحث جاری است و حتی صحبت از امکان برگزاری انتخابات مجدد میشود.

برگزاری مجدد انتخابات و عدم وجود ثبات سیاسی بناگزیر تاثیرات خود را در موقعیت نظام اقتصادی سوئد، بجا میگذارد و هیچکدام از احزاب پارلمانی نمی خواهند بعنوان مسئول آن شناخته شوند. از اینرو امکان تشکیل دولتی که مورد توافق و پذیرش اکثریت احزاب باشد، زیاد است. قبل از انتخابات هم در سیاست های مطرح شده از طرف احزاب دو بلوک تفاوت بنیادی نمیشد پیدا کرد. رسانه ها در تفسیر آخرین مناظره تلویزیونی رهبران دو حزب اصلی سوسیال دمکرات و مدرات در شب قبل از

از صفحه ۳

"هیچ چیز خطرناک تر از قیام فقرا و تهیدستان نیست!"

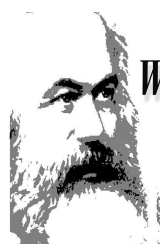
از هم اکنون زرادخانه تبلیغاتی شان را علیه چنین هدفی نشانه گیری کرده اند.

اما ما اجازه نمیدهیم. فقرا و تهیدستان، اکثریت عظیم جامعه اند، در برگیرنده طبقه کارگر و توده مردم کارکن اند. تحرک آنها تحرک طبقه ماست. قیام کارگری نقطه امید جامعه برای آزادی و خلاصی است. برای نابودی فقر و فلاکت باید بنیادهای سیاسی و اقتصادی رژیم حاکم و سرمایه را در هم شکست. بجای جامعه کنونی، با فقر و فلاکت و استبداد و مذهب و نابرابری و تبعیض جامعه ای آزاد و مرفه و برابر، یک جامعه آزاد سوسیالیستی را سازمان خواهیم داد.*

میسوزاند". اما هراسشان از کمبودها و یا نارسایی های چنین قیامی نیست. مساله شان این است که مردم فرودست، کارگران، نیروی محرکه آندند. مساله شان این است که دستور چنین قیامی میتواند حل پایه ای ترین مساله سیاسی هر انقلابی و هم چنین مساله عاجل "اقتصاد" باشد. خوب میدانند که در این چهارچوب "وعده ای" ندارند، سیاستهایشان، مانند سیاستهای احمدی نژاد و روحانی و ورشکسته و شکست خورده است. میدانند که با سیاست "ریاضت اقتصادی" مردم گرسنه را به اردوی خود جلب کنند. نتیجتا تلاش میکنند که چنین پروژه ای را قبل از شکل گیری عقیم کنند.

کمون ها و مطرح کردن بعضی از خواسته های مهم سوئد، می تواند احزاب راست را عقب براند. اما نه در حزب سوسیال دمکرات چنین خواستی وجود دارد و نه در حزب چپ چنین جریزه ای هست. ضرورت طرح مطالبات رادیکال مردم، متشکل کردن نیروهای آزادیخواه، برابری طلب و سکولار و تشکیل یک حزب کمونیستی با هدف بدست آوردن رهبری جنبش کارگری درس مهمی است که از انتخابات پارلمانی سوئد می توان گرفت.

از بین بردن بیکاری، بالا بردن سطح دستمزدها، پائین آوردن سن بازنشستگی و بالا رفتن حقوق بازنشستگی یحدی که از حداقل دستمزد مصوبه کارگران کمتر نباشد، رایگان ساختن درمان، افزایش حقوق کارگران و کارکنان بخش های خدمات عمومی، متوقف ساختن حقوق ها و پاداشهای هنگفت به روسای موسسات مختلف دولتی و خصوصی، پایان دادن به خصوصی سازی ها و بازپس گرفتن نهادهایی که در دو دهه اخیر خصوصی شده اند، کاهش ساعات کار، استخدام پرسنل بیشتر و کاهش فشار کار بر پرستاران، معلمان و سایر



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpri.org

شهر و پرتال را شهر عاری از شریعه اعلام میکنیم!

ترجمه سخنرانی مینا احدی در میتینگ روز جمعه ۱۲ سپتامبر در شهر و پرتال آلمان علیه پلیس شریعه



foto: akhtar ghazemi

به همه شما که در این میتینگ اعتراضی حضور دارید درود میفرستم. من مینا احدی هستم و از سال ۱۹۹۰ در اروپا زندگی میکنم و در اینجا علیه اعدام و سنگسار و قوانین ضد زن اسلامی مبارزه میکنم. تظاهرات امروز ما علیه "مسلمانان" نیست، ابدا چنین نیست. این تظاهرات در دفاع از حقوق زنان و مردمی است که از کشورهای اسلام زده فرار کرده و در اروپا ساکن شده اند. به نفع زنانی است که از ایران و عراق و کردستان و عربستان سعودی و کشورهای دیگر به اینجا آمده اند.

همه شما از پلیس شریعه خبردار هستید، ما در اینجا علیه پلیس شریعه تظاهرات میکنیم. ما امروز اینجا آمده ایم علیه یک جنبش اسلامی تظاهرات کنیم. جنبشی که سعی دارد زندگی ما در اینجا را نیز سخت کند.

این یک میتینگ است برای حقوق برابر بین زن و مرد، میتینگی است در دفاع از حقوق انسانی. این یک میتینگ در دفاع از آزادی بیان و عقیده است. در دفاع از حقوق انسانی همه ساکنین آلمان مستقل از مذاهب و یا تعلقات فکری و سیاسی آنها. علیه بربریت اسلامی علیه جنبشی ضد زن، ضد انسان و هولناک که جنایت

با استفاده از اسلام، سیاست کنند و این بسیار خطرناک است. به ما نگاه کنید اگر اسلامیها قدرت بگیرند و در گوشه ای از این جامعه بتوانند قدر قدرتی کنند زنان همه حقوق خود را از دست خواهند داد.

منتقدین مذهب همه حقوق خود را از دست خواهند داد این یک میتینگ در دفاع از آزادی مطلق عقیده و بیان است.

ما باید در آلمان حق داشته باشیم بگوییم به هیچ مذهبی اعتقاد نداریم این نباید تابو باشد. باید حق داشته باشیم یک جنبش، یک فرد، یک حزب و یا یک مذهب را نقد کنیم. این نباید خطرناک باشد.

امروز صدای ما در آلمان مهم است حرفها و جهتی که ما نمایندگی میکنیم مهم است اولین نکته اینست که ما میخواهیم همه با هم در آلمان در کنار هم در آرامش زندگی کنیم ما جنگ مذاهب نمیخواهیم.

یک عده سلفی آمده و با پلیس شریعه به مردم میگویند نمیتوانید هر طور که میخواهید زندگی کنید. یک دختر ۱۸ ساله از ایران و یا عراق و ترکیه که در آلمان زندگی میکند و اینجا دوست پسر دارد نباید از کسانی بترسد. رابطه بین دختر و پسر در اینجا نباید خطرناک باشد.

یک جنبه دیگر از انتقاد ما در این میتینگ متوجه دولت آلمان است. سیاست دولت و احزاب سیاسی در آلمان فرق نمیکند راست و یا چپ، سوسیال مسیحی و سوسیال دمکرات و سبز و چپ همکاری و مداخلات با جنبش اسلامی است. منافع سیاسی و اقتصادی و یا ترس از این جنبش وحشی باعث میشود که در وهله اول میلیونها نفر فراری از دست جریانهای اسلامی را دو دستی در

اینجا به جنبش اسلامی تقدیم کند. دولت آلمان میگوید ۳ یا ۴ میلیون "مسلمان" در آلمان زندگی میکنند که همه آنها را با گشاده رویی به سازمانهای اسلامی هدیه میدهد، این درست نیست.

سازمانهای اسلامی فنتاتیگ و ضد زن به عنوان نماینده مردم مسلمان از این رسانه به آن رسانه دعوت میشوند و مردان مسئول سازمانهای اسلامی از طرف میلیونها نفر حرف میزنند و رسانه ها و احزاب و دولت آلمان بدون انتقاد این حرفها ر می پذیرند. اینها نماینده مردم نیستند نمایندگان جنبش اسلامی هستند که سر هر کدام اینها به یک دولت دیکتاتور و فاشیست بند است.

دولت آلمان با سازمانهای اسلامی کنفرانس اسلام سازمان داد به آنها پول و بودجه و توجه رسانه ای تقدیم کرد و اعلام کرد که با ساختن مسجد میخواهد انتگراسیون و ادغام در جامعه را پیش برد. این سیاست کاملاً غلط است.

در بین مهاجرین و پناهندگان از کشورهای اسلام زده به اندازه کافی مردم مرفقی و سکولار و مدرن وجود دارند که جنبش اسلامی را ابدا قبول ندارند. اصلاً ما از ایران و افغانستان و عراق و سوریه و غیره به این دلیل فرار کرده و اینجا آمده ایم که جنبش اسلامی را قبول نداشتیم.

همه میدانیم که تعلق مذهبی یک امر موروثی است متأسفانه. ما هیچکدام تصمیم نگرفته ایم که مسلمان و یا یهودی و مسیحی باشیم. از من بشنوید ۳ میلیون انسان از کشورهای اسلام زده در آلمان زندگی میکنند که بسیاری از اینها نمیخواهند ابداً با جنبش

اسلامی رابطه ای داشته باشند. این یک حقیقت است.

دولت آلمان با مسجد ساختن میخواهد کمک به مردم پناهنده و مهاجر بکند، در حقیقت با این کار به سازمانهای اسلامی کمک میکند و این سیاست بغایت غلط و خطرناک را توجیه هم میکند.

امروز با پخش وسیع خبر پلیس شریعه در و پرتال کسانی که همه چیز را بی ضرر جلوه میدهند، میگویند فقط چند نفر بودند، این مهم نیست، یا اینکه این فقط یک "شو" است، زیاد مهم نیست.

از نظر ما این واقعه بسیار مهم است. راه افتادن یک عده با لباس پلیس شریعه یک زنگ خطر جدی است. این نوک یک کوه یخ است که باید به آن توجه کرد این یک موضوع مهم برای همه ما است.

دولت و احزاب سیاسی در آلمان سعی میکنند یک جنبش وحشی و انسان ستیز اسلامی را بی ضرر جلوه دهند. دولت سعی میکند که اعلام کند این اسلام واقعی نیست و یا سلفی ها رادیکال هستند بقیه اسلامیها خوبند.

شورای مسلمانان در آلمان یک مسئول دارد. یک مرد که همیشه در رسانه ها است ما اینرا درست نمیدانیم. این همه امکانات به سازمانهای اسلامی دادن درست نیست.

بدلیل همین سیاستهای غلط و همکاری با سازمانهای اسلامی است که ما به اینجا رسیده ایم. که پلیس شریعه به خیابان می آید و فرزندان ما را در اینجا نیز میترسانند.

حضور گرامی! یک نکته را فراموش نکنید! از اینها نباید ترسید! ما اینها را

تجارت "حلال" و تولید خمیر مرغ در جمهوری اسلامی

بهر روز مهرآبادی

متوقف ساختن این صنعت کثیف است، هیچ شکی نیست. اما نکته جالب این است که بسیاری از محصولات سوسیس و کالباس تولید شده در جمهوری اسلامی مهر "حلال" بر خود دارد و مورد تأیید یکی از آیات عظام قرار گرفته است.

هیچ چیز بهتر از تصاویر سایت پارسینه در مورد نحوه تولید خمیر مرغ برای استفاده در سوسیس و کالباس، گویا تر از مفهوم "حلال" در فرهنگ جمهوری اسلامی نیست. این رژیم فقط با اعدام و سنسگار مردم را قربانی نمی کند. این سیستم از سر تا به پا غیر انسانی است و آنچه هم که بنام غذا تحویل مردم می دهد، خطرناک و مهلک می تواند باشد. *

باشد. فقط استفاده صنعتی نظیر تولید صابون مجاز است. استفاده از این روغن در مواد لبنی از اول مهر ماه امسال ممنوع اعلام شده است. در دو سال اخیر نزدیک به ده هزار تن روغن پالم وارد ایران شده است. در صورتی تا چهار سال قبل میزان واردات آن به میزان ۸ تن در سال بود. و میشود حدس زد که هزاران تن روغن پالم در انبارهای تجار باقی است تا بتدریج به مردم خوراند شود. در پارسینه رئیس سازمان غذا و دارو خبر از حذف خمیر مرغ در این محصولات، صدور بخشنامه و عملی شدن آن در شش ماهه دوم سال داده است. در این که چگونه فساد اداری، رشوه خوری و حرص و آز سرمایه داران اسلامی مانع هر اقدام جدی در

آلودگی امعا و احشای آنها بطور کامل خارج نمیشود. در این گزارش تصاویر چندش آور و نفرت انگیزی از نحوه کشتابار خرد کردن و مخلوط کردن این مواد ارائه شده که نشان میدهد سرمایه داران جمهوری اسلامی چه به خوراک مردم می دهند. افتضاحی که در ماههای اخیر بخاطر استفاده از روغن پالم در تولیدات لبنیاتی و سایر مواد غذایی برپا شد، هنوز فراموش نشده است. نزدیک به سه دهه است که در آمریکا و کشورهای اروپایی استفاده از روغن پالم در مواد غذایی ممنوع شده است. این روغن دارای بیشترین میزان اسید چرب اشباع را دارد بالا رفتن کلسترول بد خون و تنگی و انسداد عروق و سکته قلبی از عوارض مصرف آن می تواند

است. موادی که در بسیاری مواقع توسط غیر مسلمین و کافرین تولید میشود و فقط با پرداخت مبلغی پول به آخوندها و مساجد، مطهر و پاکیزه شده و مهر "حلال" بر بسته بندی آنها نقش میندند. درکنار این خبر باید خبر دیگری از سایت پارسینه را خواند که گزارشی با عنوان "محتویات سوسیس و کالباس ایرانی" منتشر کرده است. در این گزارش آمده است که ماده اولیه سوسیس و کالباس های تولید شده در جمهوری اسلامی خمیر مرغ است. این خمیر مایعی است که از اسکلت های باقیمانده از مرغ و ضایعات از رستوران ها و مرغ فروشی های سطح شهر جمع آوری میشود و یا مرغ های تخمگذاری که به دلیل جثه ریز و

خبرگزاری ایسنا از قول عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی استان البرز خبر از ورود جمهوری اسلامی به بازار مواد غذایی "حلال" داد. محمد باقر رضوی تقوی گفت: بستر تولید و صادرات غذایی با برند حلال در کشور فراهم میشود... بدون شک با رعایت ضوابط و استانداردهای تعیین شده در تولید مواد غذایی حلال در منطقه تبدیل شود... "حلال" و "حرام" کردن مواد غذایی و مواد مختلف مصرفی مردم تبدیل به یک تجارت بزرگ و نان آب دار برای سرمایه داران اسلامی شده است. این تجارت که از عرضه گوشت حلال و ذبح اسلامی آغاز شد، عرصه فعالیت خود را حتی به لبنیات و حبوبات و حتی ادویه هم گسترش داده

از صفحه ۶

"شهر وپرتال را شهر عاری از شریعه اعلام میکنیم!"

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:
فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاترانیسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶
تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

باید متحدانه به خیابان برویم و در مقابل اینها بایستیم این وظیفه همه ما است. ما میخواهیم در آلمان فوراً: برقع ممنوع شود. حجاب کودکان ممنوع شود، ما میخواهیم که مدارس در آلمان پرنسپ های سکولار داشته باشند. کودکان احتیاج به تدریس مذهب ندارند. میتوان تاریخ مذاهب را به همه کودکان آموزش داد.

ما خواهان قطع فوری سوسید دولتی به سازمانهای اسلامی هستیم. مسجد ساختن و مسجدها را بزرگ و بزرگتر کردن درمان هیچ دردی نیست. ما میخواهیم دولت آلمان توجهش به افراد و سازمانهای سکولار و مدرن و پیشرو باشد و نه به فنانیکهای اسلامی. *

ارتجاعی هستند و میتینگ اول خوب پیش رفت در میتینگ دوم پلیس شریعه به ما حمله کرد و آنها کاملاً شبیه اینهایی بودند که اینجا در وپرتال به خیابان آمدند مردان با ریش و پشم و بتدریج مردانی با اسلحه و چاقو و قمه که به ما حمله میکردند. پلیس شریعه در وپرتال میخواهد فضای وحشت ایجاد کند، هیچکس نباید از اینجا بترسد.

ما امروز وپرتال را با این میتینگ خودمان "منطقه عاری از شریعه" اعلام میکنیم. هیچ جا احتیاج به شریعه ندارد نه وپرتال و نه هیچ جای دیگر درد نیا! از سلفی های ضد زن و ضد انسان نترسید از اسلامیه نترسید!

می شناسیم. ما کسانی که از ایران و افغانستان و تونس و عربستان سعودی و غیره به اینجا آمده ایم اینها را می شناسیم. به اینها باید فقط تعرض کرد! در ایران در سال ۱۹۷۹ وقتی خمینی دستور داد زنان باید حجاب را رعایت کنند، ما علیه این فرمان بودیم و دختران زیادی میگفتند حجاب نمیخواهیم و به همدیگر می گفتیم این مرد احمق است و حجاب را قبول نداریم. با پلیس شریعه در آنجا نیز به ما حمله کردند. من در شهری که دانشگاه میرفتم به اسم تبریز در مقابل فرمان خمینی میتینگ سازمان دادیم که ۲۰۰۰ نفر آمدند و اولین بار در آنجا علیه حجاب سخنرانی کردم. من گفتم اینها

لیست نمایندگان کنگره نهم حزب کمونیست کارگری ایران در مرحله انتخابات محلی به ترتیب الفبا

(کمیته برگزاری انتخابات نازنین برومند، فاتح بهرامی، فریبرز پویا، کیوان جاوید، بهرام سروش)

۱- ایرج آبشار	۱۵- نینا تابان	۲۹- طغرا قره گوزلو	۴۳- آسرین واصلی
۲- داوود آرام	۱۶- پری جاویدان	۳۰- محمد کریمی	۴۴- اسماعیل هدفمند (اسی برلین)
۳- طه آزادی	۱۷- سهیلا خسروی	۳۱- ناصر کشکولی	۴۵- رحیم یزدانپرست
۴- نوا آزادی	۱۸- جمال خسروی	۳۲- بهرام کلاه زری	۴۶- تیمور یوسفی
۵- منیژه اتمامی	۱۹- علیرضا رشیدی	۳۳- علی محمدی	۴۷- حسام یوسفی
۶- سوسن احمدی	۲۰- امیر زاهدی	۳۴- فلورت معارفی	
۷- نیما ارژنگ	۲۱- عباس زمانی	۳۵- نوید محمدی	
۸- سعید اصلی	۲۲- سلیمان سبکبار	۳۶- ناصر محمودی	
۹- صبری امیر حسینی	۲۳- آوا شکیبیا - سودابه	۳۷- سهند مطلق	
۱۰- ودا ایلکا	۲۴- داریوش صفا - بهمن برمن	۳۸- عمر معروفی	
۱۱- چیا برسن	۲۵- ابوذر صلحجو	۳۹- جمیله میراکی	
۱۲- مینا بهروزی	۲۶- زری صمدی	۴۰- آرش ناصری	
۱۳- پریسا پوینده	۲۷- اندیشه علی شاهی	۴۱- محمد نعمتی	
۱۴- شاهو پیرخضریان	۲۸- فریدون فرهی	۴۲- سعید نیرومند	



آماده به کار، انسان دوست و تیزبین و ضد ستمگری. فریده در زندگیش سختی های بسیار کشیده است. لطمات روحی فراوان دیده است. عزیزان بسیاری را از دست داده است. اما همچنان چهره شاد و زیبا و آرام خود را حفظ کرده است.

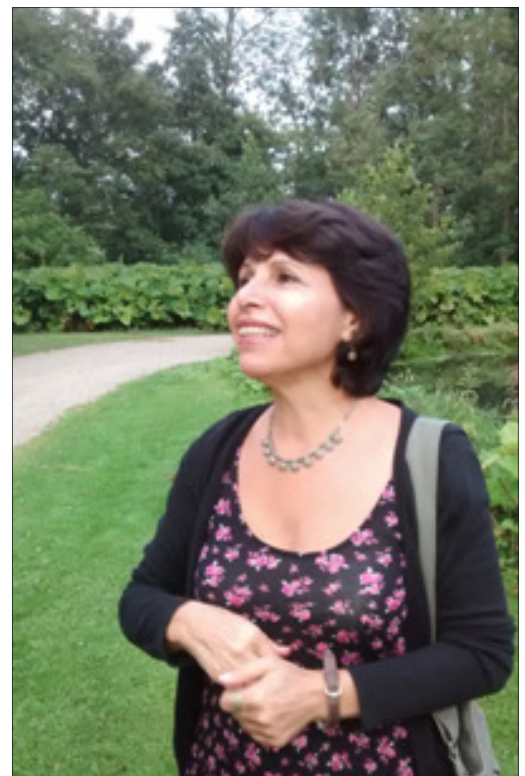
دوست دارم به فریده بگویم که این روزها همه کس در فکر توست. در خانه های همه دوستان سخن از توست. و در عین حال همه امیدواریم که فریده همچون همیشه با روحیه و عزم و سرسختی بر این مشکل نیز غلبه نماید. از دور میبوسمت و برایت آرزوی سلامتی دارم. *

درست در آستانه تشکیل حزب کمونیست میشناسم. او را در کردستان ملاقات کردم. دختری با نشاط و خنده برب و مهربان که با شور و اشتیاق نشریات اتحاد مبارزان کمونیست را توزیع میکرد. بعد از آن در سوئد سالها از نزدیک با او زندگی کردیم. بچه ها او را فریده ۹۹۹ خطاب میکردند (اشاره به شماره تلفن کمکهای اضطراری در اروپا). زیرا هرکس هر مشکل و معضلی داشت و کمکی میخواست سراغ فریده میرفت و او همیشه با فداکاری تمام حاضر بود. شخصا هروقت به انسان کمونیست فکر میکنم فریده جلوی چشمم مجسم میشود. فداکار، مهربان، بدون پیشداوری،

فریده عزیزمان بیمار است

کاظم نیکخواه

حدود یک سال میشود که فریده آرمان عزیز مشغول دست و پنجه نرم کردن با بیماری لعنتی سرطان است. در تمام این مدت همه ما که او را از نزدیک میشناسیم بشدت نگران وضعیت او هستیم. خوشبختانه فریده با روحیه مقاوم و بالای همیشگی در برابر این بیماری نیز مقاومت میکنند. او حتی حاضر به استراحت نیست و بعد از بازگشت از بیمارستان به کارهای اجتماعی و حزبی عادی تا دیر وقت ادامه میدهد. همین روزها که با او تماس گرفتیم دیروقت بود انتظار داشتیم خواب باشد. اما او در محل کار مشغول کار بود. کمی با او برای استراحت کردن بحث کردم اما میدانم که فایده ای ندارد. شخصا فریده را از سال ۶۲ یعنی



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود